



## دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان :

بررسی اندازه راهیابی تفسیر عقلی به « کتاب التفسیر » صحیح بخاری و تحلیلی از آن

استاد راهنما :

دکتر پرویز رستگار

به وسیله :

علیرضا پوربرات

اسفند ماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سپاس

از کسانی که با این قلم ناتوان نمی توان رنجه های بیشمار آنها را باز پرداخت :

مادر و پدر دلسوزم

استاد فرزانه و گرامی ام دکتر پرویز رستگار

و دیگر استادم دکتر محسن قاسم پور

و تمام عزیزانی که مرا در این راه یاری نمودند

**پیشکش به :**

کسانی که هر انسانی به عشق آنها زندگی می کند .

و به آنانی که

در راه حقیقت و عدالت رنج برده ، تا پای جان ایستادند ....

## چکیده

تفسیر قرآن - در دوره هایی که بر آن گذشته - با گرایش ها و روش های گوناگون رخ نموده است. تفسیر عقلی (اجتهادی) یکی از دو نوع عمده تفسیر قرآن است که زمان دقیق آغاز شدنش را نمی توان باز گفت. در این مسیر، در سده سوم هجری، محمد بن اسماعیل بخاری، روایات تفسیری سلف را در بخشی از جامع حدیثی نامدار خود، به نام « کتاب التفسیر » جای داد و افزون بر این، برخی واژگان و جنبه های گوناگون آیات را بدون استناد به سخن پیشینیان، تفسیر کرد که باید آن را « تفسیر عقلی » نامید. بررسی میزان این رویکرد تفسیری و تحلیلی از چگونگی راهیابی آن به « کتاب التفسیر » وجهه همت و کوشش ما در این پژوهش خواهد بود.

در این پایان نامه می کوشیم که پس از گفته هایی درباره ی تفسیر اثری و عقلی و مرحله گذار از اثر به عقل، گزارشی از شیوه ی کارکرد بخاری و میزان کاربرد خرد - با آوردن نمونه هایی از آن - را در این کتاب بیان و در پایان، زمینه ها و بستر هایی را ارزیابی کنیم که موجب شد بخاری همراه آوردن روایات، برای شرح و تفسیر آنها، خرد خود را به کار گیرد و تفسیر اثری اش را با آن در آمیزد.

در این پژوهش برای دقیق تر شدن کیفیت کار، افزون بر بهره گیری از روش کتابخانه ای و میدانی، از نقشه های جغرافیایی، جدول، اعداد و ارقام نیز سود جسته ایم.

در پایان باید گفت که این تفسیر با آن که در سده های نخستین اسلامی نوشته شده، با برکناری از رویکرد اثری صرف تفسیر های اندک آن دوران، گوشه ها (چشمه ها)یی از به کارگیری خرد را در تفسیر، به صورت ساده و بیشتر در حد معنی کردن کلمات، با رویکرد ادبی، نشان داده است که ریشه ی چنین رویکرد نوآمندی را در اندیشه بخاری، می توان در ایرانی بودن و تاثیر گذاری زمینه ها و بستر های عقل گرایی بر مردم خراسان بزرگ چون گذر جاده ابریشم، رواج فقه حنفی، سر بر آوردن فرقه معتزله، نهضت ترجمه و پیدایش علوم جدید، جستجو کرد.

**کلمات کلیدی:** تفسیر اثری، تفسیر عقلی، امام بخاری، کتاب التفسیر، تفسیر ادبی

## فهرست مطالب

- دییاجه ..... ۱
- طرح کلی تحقیق ..... ۲
- فصل اول : نگاهی به تفسیر اثری و اجتهادی**
- ۱- تفسیر ..... ۶
- ۱-۱- تفسیر اثری ..... ۶
- ۱-۱-۱- روزگار پیامبر ..... ۶
- ۱-۱-۲- روزگار صحابه ..... ۷
- ۱-۱-۳- روزگار تابعین ..... ۸
- ۱-۱-۴- تدوین حدیث و تفسیر ..... ۸
- ۱-۱-۵- دلایل رو آوردن به تفسیر اثری ..... ۹
- ۱-۱-۵-۱- جمع آوری صرف حدیث برای حفظ آن و رجوع به تفسیر سلف برای پاسخ به شبهات ..... ۹
- ۱-۱-۵-۲- نهی پیامبر از تفسیر به رأی ..... ۱۰
- ۱-۱-۵-۳- بساطت و سادگی هر علم و ترس و وحشت آغاز آن ..... ۱۰
- ۱-۱-۵-۴- سیره صحابه و تابعین ..... ۱۱
- ۱-۱-۵-۵- پرداختن مفسران مکتب اهل حدیث تنها به روایت ..... ۱۶
- ۲- تفسیر اجتهادی ..... ۱۶
- ۱-۲-۱- دلایل گذر از تفسیر اثری به عقلی ..... ۱۷
- ۱-۲-۱-۱- پیدایش دانش های نو و نهضت ترجمه ..... ۱۷
- ۱-۲-۱-۲- ورود موالی به جهان اسلام ..... ۱۷
- ۱-۲-۱-۳- اختلافات مذهبی و فکری ..... ۱۸
- ۲-۲-۱- گسترش تفسیر عقلی بر اساس علم هر مفسر ..... ۱۸

## فصل دوم : گزارشی از « کتاب التفسیر » صحیح بخاری با نگاهی به کتب

### سرشناس حدیثی

- ۱-۲- معرفی صحیح بخاری ..... ۲۱
- ۱-۱-۱- انگیزه نگارش ..... ۲۱
- ۲-۱-۲- محل تدوین ..... ۲۱

۲۲.....	۳-۱-۲- راز نامگذاری
۲۳.....	۴-۱-۲- منابع و مأخذ
۲۳.....	۵-۱-۲- مدت تالیف و شمار احادیث
۲۴.....	۶-۱-۲- قسمت های گوناگون آن
۲۴.....	۷-۱-۲- مستدرکات صحیح بخاری
۲۴.....	۸-۱-۲- مستخرجات صحیح بخاری
۲۵.....	۹-۱-۲- صحیح بخاری در نگاه علمای اهل سنت
۲۶.....	۲-۲- گزارشی از کتاب التفسیر صحیح بخاری
۲۶.....	۱-۲-۲- شیوه ی نگارش آن
۲۶.....	۲-۲-۲- ساختار و نحوه ی چینش آن
۲۷.....	۳-۲-۲- بررسی قسمت های اثری و توضیحاتی درباره آن
۲۷.....	۱-۳-۲-۲- روایات مسند و ذکر سلسله سند به طور کامل
۲۸.....	۱-۳-۲-۲- شیوه به کارگیری روایات
۲۹.....	۲-۳-۲-۲- محتوا و مضامین روایات
۳۲.....	۳-۱-۳-۲-۲- بررسی و نقد
۳۵.....	۴-۱-۳-۲-۲- روایات بی ارتباط با عنوان باب
۳۶.....	۱-۴-۱-۳-۲-۲- دلیل بی نظمی این تفسیر و بی ربطی بین آیات و روایات
۳۷.....	۲-۳-۲-۲- توضیح واژگان بدون ذکر سلسله سند
۳۸.....	۱-۲-۳-۲-۲- اندازه استفاده از سلف در توضیح واژگان
۴۰.....	۳-۳- مقایسه ی این تفسیر با کتب مشهور حدیثی
۴۰.....	۱-۳-۲- ویژگی کلی دو تفسیر صحیح مسلم و سنن ترمذی
۴۱.....	۲-۳-۲- تفسیر مسلم
۴۱.....	۳-۳-۲- تفسیر ترمذی

### فصل سوم: اجتهاد در کتاب التفسیر صحیح بخاری

۴۳.....	۱-۳- درآمد
۴۳.....	۱-۱-۳- قطع سند احادیث
۴۳.....	۲-۱-۳- گرایش به مفسران مجتهد در تفسیر
۴۴.....	۳-۱-۳- جدا کردن روایات تفسیری و نامگذاری آن
۴۵.....	۴-۱-۳- بررسی سندی روایات

- ۲-۳- نمونه های اجتهاد در تفسیر بخاری ..... ۵۹.....
- ۳-۲-۱- تفسیر ادبی ..... ۶۰.....
- ۳-۲-۱- انواع تفسیر ادبی- لغوی ..... ۶۱.....
- ۳-۲-۱-۱- توضیح کلمات به کمک کلمات دیگر آیات ..... ۶۱.....
- ۳-۲-۱-۲- یادآوری ریشه کلمات ..... ۶۲.....
- ۳-۲-۱-۳- آوردن جمع و مفرد کلمات ..... ۶۳.....
- ۳-۲-۱-۴- یادآوری ترادف واژگان ..... ۶۴.....
- ۳-۲-۱-۵- آوردن وجوه و نظایر کلمات ..... ۶۴.....
- ۳-۲-۱-۶- استناد به شعر ..... ۶۵.....
- ۳-۲-۱-۷- استناد فراوان به سخن لغویان ، بی آن که از آنها نام ببرد ..... ۶۵.....
- ۳-۲-۱-۲- تفسیر ادبی- صرفی ..... ۶۶.....
- ۳-۲-۱-۲- یادآوری مصدر کلمات ..... ۶۶.....
- ۳-۲-۱-۳- تفسیر ادبی- بلاغی ..... ۶۷.....
- ۳-۲-۱-۳- کنایه ..... ۶۷.....
- ۳-۲-۱-۳- مجاز ..... ۶۷.....
- ۳-۳- نیامدن نام ابو عبیده در تفسیر آیات ..... ۶۸.....
- ۳-۳-۱- ابو عبیده معمر بن مثنی تیمی ..... ۶۹.....
- ۳-۳-۱- مجاز القرآن ..... ۷۰.....
- ۳-۳-۲- علت های یاد نشدن نام ابو عبیده ..... ۷۱.....
- ۳-۴- نتیجه پایانی این فصل ..... ۷۲.....
- فصل چهارم : عوامل و زمینه های عقلگرایی بخاری در « کتاب التفسیر »**
- ۴-۱- سرزمین خراسان ..... ۷۵.....
- ۴-۱-۱- بخارا ..... ۷۶.....
- ۴-۱-۲- سمرقند ..... ۷۷.....
- ۴-۱-۳- بلخ ..... ۷۷.....
- ۴-۲- دلایل و زمینه های عقل گرایی بخاری ..... ۷۸.....
- ۴-۲-۱- موالی ..... ۷۸.....
- ۴-۲-۱- درآمد ( مقایسه ایران و اعراب پیش از اسلام ) ..... ۷۸.....
- ۴-۲-۱-۲- موالی میان عرب ها ..... ۷۹.....



۸۱.....	۴-۲-۱-۳- بازگشت موالی به دوران بزرگی و اقتدار پیشین
۸۲.....	۴-۲-۱-۴- نقش علمی - فرهنگی و سیاسی خراسانیان در دولت بنی عباس
۸۲.....	۴-۲-۱-۴-۱- رجال سیاسی خراسانی در دستگاه عباسیان
۸۳.....	۴-۲-۱-۴-۲- گستره ی فرهنگ و دانش عرصه ی بروز موالی
۸۵.....	۴-۲-۲- گذر جاده ابریشم از خراسان بزرگ
۸۶.....	۴-۲-۲-۱- دین های جاده ابریشم
۸۷.....	۴-۲-۳- چیرگی مذهب فقهی - کلامی ابوحنیفه در آن سرزمین ها
۸۷.....	۴-۲-۳-۲- سبب چیرگی مذهب و مکتب ابوحنیفه
۸۸.....	۴-۲-۳-۳- گسترش مکتب فقهی ابوحنیفه
۹۰.....	۴-۲-۴- نهضت ترجمه
۹۱.....	۴-۲-۵- معتزله
۹۴.....	۴-۲-۵-۱- معتزله و دولت عباسی؛ از فراشدن تا فرود آمدن
۹۵.....	۴-۲-۶- اساتید بخاری
۹۵.....	۴-۲-۶-۱- اسحاق بن راهویه
۹۶.....	۴-۲-۶-۲- کرایسی
۹۷.....	۴-۲-۶-۳- ابن کلاب
۹۷.....	۴-۲-۳- بخاری و زمینه های عقلگرایی
۱۰۵.....	کتابنامه
۱۱۴.....	فهرست مراجع

## دیباچه

حضرت محمد (ص) پس از برگزیده شدن به پیامبری، پیام آوری خود را با رساندن سخنان ایزد یکتا آغاز کرد؛ سخنانی دست نخورده و پابرجا تا امروز که قرآن نام گرفت و گروندگان به دین نو بنیاد اسلام با وجود داشتن جان‌هایی خشک و خشن چون بیابان‌های شبه جزیره عربستان و ملامت از تعصبات و فرهنگ‌های نادرست جاهلی، آن را پذیرفتند و در نگهداری و پابندی به آن کوشیدند و دست درازی به آن را روا نداشتند. پیامبر در زندگی خود از گوشه گوشه‌های این کتاب جاودانه و انسان ساز پرده بر می‌داشت و رازها و زوایای پنهان و سر به مهر آن را می‌شکافت تا مسلمانان با درک و شناختی ژرف و سنجیده، دین و دنیای خود را بسازند.

پس از آن که پیامبر پر پرواز به سوی آسمان‌ها برگشود و یاران خود را از آموزگاری راستین و بی‌همتا که همواره آن‌ها را از افتادن در ورطه‌های اشتباه و گناه بیم می‌داد، بی‌بهره گرداند، یادگار خاطره انگیز خود - قرآن - را همراه سخنان گهربارش چونان ریسمانی برای چنگ زدن، به جای گذاشت، تا هیچ‌گاه یادش از قلب‌ها و جان‌های رها شده از بند‌های جاهلیت، بیرون نرود.

اندکی از صحابه‌ی ایشان به پیروی از استاد گرانمایه خود، قرآن را نیازمند واکاوی و موشکافی دانستند و پس از پراکنده شدن در سرزمین‌های اسلامی، دانش خود را به آن دیار، به ارمغان بردند و افزون بر سخنان پیامبر درباره‌ی قرآن، گاهی از خرد نیز برای رمز گشایی از معانی قرآن بهره جستند. بدین رو روایات تفسیری از نسلی به نسلی دیگر، انتقال یافت تا اینکه دوره‌ی تدوین حدیث و به دنبال آن روایات تفسیری فرا رسید و فصل تازه‌ای از آینده درخشان اسلام آغاز شد.

یک سده پس از آن، تفسیر آهنگ جدایی از روایت را ساز کرد و چونان دانشی ویژه در حد و مرزهایی روشن رخ نمود و همزمان با این جدایی و یا کمی پیش از آن، تفسیر که تنها رویکردش بسنده نمودن به گفته‌های پیشینیان بود، آرایشی نو را در خود احساس کرد و با ساختار و رویکردی دگرگون با باورهای سنتی و خط قرمزهای گذشتگان، پدید آمد. این فرآیند، برآیند و بازخورد دگرگونی‌ها و نیازمندی‌هایی بود که دنیای اسلام پس از دو سده خفقان، خشک مغزی و عقل‌گریزی در زمینه‌ی دانش تفسیر، با آنها دست به گریبان شد. اینجا بود که دانشمندان بیرون از چارچوب تفسیر اثری صرف، اندیشیده و تکان‌هایی بر پیکره بی‌تکان و بی‌رنگ آن دادند که «تفسیر عقلی» نام گرفت.

دیر پاگرفتن خردورزی در تفسیر قرآن، بازتاب ترس‌ها و بیم‌های دست‌به‌قلم‌های لرزانی بود که فضای انباشته از انگ‌های تفسیر به رای و برچسب‌های شایستگی آتش دوزخ، آنها را از گام نهادن بدین سرزمین باز می‌داشت و از اینکه همراه و هم‌رنگ جماعت وفادار به تفسیر اثری نباشند، بیمشان می‌داد. از این رو مصلحت‌سنجی ایشان، آن‌ها را وا می‌داشت که چشم‌پوشی از تفسیر عقلی را برای

رهایی از کشمکش‌ها و بسنده دیدن تفسیر سلف را برای برآوردن نیازهای آن روز، بایسته و شایسته بینند.

در چنین زمانی محمد بن اسماعیل بخاری از سرزمین دانش خیز خراسان، به شوق دانش‌آموزی و گردآوری حدیث، سرزمین‌های اسلامی را درنوردید که فرجام چنین تکاپویی، اثری به یادماندنی برای دنیای اسلام - به ویژه، برای اهل سنت - بوده و هست به طوری که بسیاری از دانشمندان پس از او، در نکو داشت این اثر، آن را پس از قرآن مهم‌ترین و ارزشمندترین کتاب دانستند.

وی در این مجموعه حدیثی خود که «صحیح» نام گرفته، در بخشی جداگانه روایات تفسیری را گردآوری کرده و نام «کتاب التفسیر» را بر آن گذاشته و شالوده آن را همانند تفسیر پیشینیان، سخن سلف ساخته است که بخش بزرگی از آنها احادیث مسند است. افزون بر این، توضیحاتی در شرح ادبی آیات و سوره‌های قرآن کریم، به چشم می‌آید که وابسته به سخن کسی نیست و باید آن را «تفسیر عقلی» نامید.

### موضوع تحقیق

کتاب پرآوازه‌ی صحیح بخاری به دست یکی از محدثان پیشتاز اهل سنت در اواسط قرن سوم به نگارش درآمده است و این دوران کما بیش دوران جوانی و نشاط اولیه علم تفسیر است و هنوز گونه‌های رنگارنگ تفسیر عقلی شکل نگرفته بود. با آنکه رنگ غالب کتاب التفسیر بسنده کردن به ذکر روایات تفسیری و وفاداری به مکتب تفسیری اثری است، در این بخش از صحیح بخاری جلوه‌ها و ردپاهایی از تفسیر عقلی که بازتاب دهنده‌ی تفسیر ادبی است، به چشم می‌آید. آنچه در این پایان‌نامه وجهه‌ی همت ماست، نشان دادن مصادیق متعدد تفسیر عقلی - ادبی در کتاب التفسیر و ارائه‌ی تحلیلی از چگونگی راه‌یابی اینگونه تفسیر به کتاب یاد شده است.

### ارزش و اهمیت تحقیق

بی‌گمان بررسی فراز و نشیب‌های تاریخ علم تفسیر نمی‌تواند از درنگ در پوست اندازی‌های این علم و گذارش از مرحله‌ی تفسیر اثری به دوران تفسیر عقلی و اجتهادی برکنار باشد در این میان پیگیری تطورات علم تفسیر در کتاب التفسیر صحیح بخاری از آنجهت برجسته‌تر و حیاتی‌تر می‌نماید که نویسنده کتاب یاد شده هم محدثی ماهر و هم معاصر با دوران انتقالی تفسیر از رنگ اثری به رنگ عقلی است. چنین تحقیقی می‌تواند هم برای قرآن‌پژوهان و هم برای کسانی که در تاریخ و گردآوری حدیث اهل سنت مطالعه می‌کنند، سودمند باشد.

### پیشینه تحقیق

کتاب صحیح بخاری و بخش های گوناگون آن همواره بیشترین عنایت و توجه را در میان اهل سنت به سوی خود جلب کرده است و بیش از دیگر اثرهای حدیثی ماندگار آنان شرح شده است. با این همه کتاب التفسیر بخاری گر چه از سوی کسانی چون ابن حجر عسقلانی، قسطلانی و بدرالدین عینی شرح شده است، اما هیچ یک از این آثار از زاویه ای که ما می خواهیم در این پایان نامه به آن بپردازیم، کتاب التفسیر را شرح و بازگویی نکردند به همین دلیل پرداختن به موضوع این پایان نامه کاری ابتکاری و فاقد پیشینه قبلی است.

### اهداف تحقیق

- ۱- بازخوانی گوشه هایی از تاریخ علم تفسیر
- ۲- بررسی اندازه توجه امام بخاری به مباحث عقلی
- ۳- نشان دادن پیوستگی دانش حدیث و تفسیر در سده های نخستین اسلامی

### فرضیه های تحقیق

- ۱- به رغم نگارش کتاب صحیح بخاری در سده های نخستین اسلامی، بخش کتاب التفسیر آن جلوه گاه گونه ای از تفسیر عقلی و نه کاملاً اثری است.
- ۲- نوع تفسیر عقلی بازتاب یافته در کتاب التفسیر، ادبی و بلاغی است.
- ۳- وابستگی بخاری به مکتب حدیثی خراسان و برخاستنش از این نقطه ی دانش پرور و عقل محور، یکی از انگیزه های پرداختن بخاری به گونه ای از تفسیر عقلی در کتاب التفسیر است.

ما در این پژوهش، پس از بازیابی نشانه ها و نمونه های اجتهادی در تفسیر بخاری، از زمینه ها و بستر های تاثیرگذاری که در اندیشه ی وی در راستای به کارگیری عقل و اجتهاد در تفسیرش نقش داشته اند، سخن خواهیم گفت.

فصل اول

# نگاهی به تفسیر اثری و اجتهادی

## درآمد

در پایان زمان جاهلیت - نزدیک به ظهور اسلام - زمانی که عرب ها از لحاظ فرهنگی در اوج بدبختی و ذلت به سر می بردند ، اما از لحاظ فصاحت و بلاغت و قدرت سخنوری از توان بالایی برخوردار بودند، چنان که گاه با یکدیگر به رویارویی و معارضه ادبی می پرداختند و نصوص و اشعار عربی خود را در اجتماعات عرب می خواندند و برگزیده هایش را در کعبه می آویختند، قرآن با وجود پیامبر سر برآورد . فصیحان عرب که یکه تاز میدان سخنوری و سخندانی بودند و همآورد می طلبیدند در برابر سخنی قرار گرفتند که عجز و ناتوانیشان را به رخشان کشید و در نتیجه شکست در این نبرد ، جز فرار از آن و بیان سخنانی با درون مایه ی تهمت و استهزا کاری از پیش نبردند .

اگر مردم آن روزگار در مقابل سخن قرآن سر تعظیم فرود آوردند از آن رو بود که قرآن مانند هر کتاب آسمانی دیگر ، به زبان قوم مخاطبش نازل شد تا مردم آن زمان ، آن را فهمیده و به دستوراتش عمل نمایند . ابن خلدون در این باره می نویسد: « چون قرآن به زبان عربی فرود آمد و سبک و اسلوب بلاغی آن با این زمان هماهنگ بود ، تمام تازیان عصر پیامبر اکرم (ص) معانی قرآن را در قالب تک واژه ها و جمله بندی های آن درک می کردند.»<sup>۱</sup>

البته برخی نظر ابن خلدون را رد کرده اند و بر این باورند که نازل شدن قرآن به زبان عربی بدین معنا نیست که عرب ها تمام معانی قرآن را درک می کرده اند.<sup>۲</sup> این سخن بجا و پذیرفتنی است چرا که اگر عرب ها تمام قرآن را می فهمیدند دیگر کسی به تفسیر پیامبر و صحابه نیاز نداشت و این همه روایت از ایشان در خصوص شرح آیات قرآن به ما نمی رسید. بنابراین ، قرآن این معجزه جاوید پیامبر و کتاب آسمانی دین جدید بود که همه نو مسلمانان را بر می انگیخت تا برای حفظ آن و درک حقایق و رازهای آن و به دیگر سخن ، برای درکی ژرف نگرانه از آن تمام توان خود را به کار گیرند. از اینجاست که نقش پیامبر به عنوان آگاه ترین فرد به کتاب خدا در توضیح آیات آغاز می شود.<sup>۳</sup>

---

۱- ابن خلدون ، عبدالرحمن ، مقدمه ابن خلدون ، چاپ چهارم ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، بی تا ، ج ۱ ، ص ۴۳۸. ابو عبیده معمر بن مثنی در سخنی شبیه به گفته ابن خلدون در مقدمه کتابش می گوید: « فلم یحتج السلف و لا الذین ادركوا وحیه ، الی النبی (ص) ان یسالوا عن معانیه ، لانهم كانوا عرب الالسن ، فاستغنوا بعلمهم به عن المساللة عن معانیه ، و عما فیہ مما فی كلام العرب مثله من الوجوه و التخلیص . » (ثعالبی ، عبدالرحمن بن محمد ، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن ، تحقیق : عبد الفتاح ابو سنه و شیخ علی محمد معوض ، ج ۱ ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۷م ، ج ۱ ، ص ۴۸) .

۲ - ذهبی ، محمد حسین ، التفسیر و المفسرون ، بی جا ، بی تا ، ج ۱ ، ص ۱۳۱ ؛ رومی ، فهد بن عبد الرحمان ، بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه ، ج ۴ ، ریاض ، المملكة العربیة السعودیة ، ۱۴۱۹هـ ، ص ۷۰ ؛ ابوطبره ، جاسم محمد ، المنهج الاثری فی تفسیر القرآن الکریم ، ج ۱ ، قم ، مکتب الاعلام اسلامی ، ۱۴۱۴ ق ، ص ۲۹ .

۳ - در خصوص پیامبر نباید از این نکته غافل شد که ایشان پیش از برگزیده شدن به پیامبری ، خود فردی امی ، ناخوانده و نانوشته بود؛ طبیعی است که چنین کسی نتواند تمام وحی در دین جدید را توضیح دهد ، از این رو لازم و ضروری بود که از جانب خداوند علاوه بر خود قرآن ، توضیح و شرح آن نیز فرود آید. از حسان بن ثابت نقل شده که جبرئیل همان

## ۱- تفسیر

در مورد ماهیت تفسیر ، نظرات مختلفی ارائه شده است که ما فقط به بیان موضوع این دانش، از زبان زرکشی بسنده می کنیم : « تفسیر علمی است که با آن کتاب خدا که بر پیامبرش نازل شده فهمیده می شود و معانی و احکام و حکمت های آن استخراج می گردد. »<sup>۱</sup> تفسیر به دو منهج و روش کلی تقسیم می شود : ۱- تفسیر مأثور یا روایی ۲- تفسیر غیر مأثور که به آن تفسیر اجتهادی می گویند.

### ۱-۱- تفسیر اثری

در این بخش ، به ترتیب تاریخی ، ابتدا کمی از سه دوره ی زمانی یعنی عصر پیامبر ، صحابه و تابعین بحث می شود پس از آن ، از دوره ی تدوین حدیث و عوامل روی آوردن به تفسیر اثری سخن به میان خواهد آمد.

### ۱-۱-۱- روزگار پیامبر

پیامبر همانطور که در آموختن وحی به مسلمانان از هیچ تلاشی فروگذار نبود به همان اندازه در یاد دادن آموزه های قرآنی و تفسیر آن به مسلمانان اهتمام می ورزید<sup>۲</sup> تا از رهگذر آن ، مسلمانان این کتاب آسمانی را بهتر شناخته و با عمل به آن، به سعادت واقعی دست یابند. حرص پیامبر در این خصوص بیش از اندازه و تمام ناشدنی بود . از ابن مسعود نقل شده است که : « شخصی از ما وقتی ده آیه را فرا می گرفت، از آن نمی گذشت تا معانی آن را نیز بداند و به آن عمل کند.»<sup>۳</sup> و این طبیعت قرآن - کلی گویی، اجمالی سخن گفتن، مبهم بودن در پاره ای از جاها، خبر دادن از غیب و ... - بود که پیامبر را وادار به شرح و بسط آن می نمود. تفسیر پیامبر به دو شکل عرضه می شد : یا در پی سوالها و خواهش های مردم صورت می گرفت و یا خود پیامبر در جریان زندگی روزمره، هر از چند گاهی، قرآن را برای مردم تفسیر و شرح می کرد.<sup>۴</sup> این وظیفه ای بود که خداوند بر دوش وی نهاده بود ، چنان که در آیه ی ۴۴ نحل می فرماید: « و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ... »<sup>۵</sup>

---

گونه که قرآن را بر پیامبر نازل می کرد سنت را نیز نازل می کرد. (دارمی ، عبدالله بن بهرام ، سنن الدارمی ، دمشق ، مطبعة الاعتدال ، ۱۳۴۹ ، ج ۱ ، ص ۱۴۵) رسول خدا فرمودند: « الا انی اوتیت القرآن و مثله معه » (ابن حنبل ، احمد ، المسند ، بی چا ، بیروت ، دار صادر ، بی تا ، ج ۴ ، ص ۱۳۱) .

۱- زرکشی ، بدرالدین محمد ، البرهان فی علوم القرآن ، چاپ اول، بی جا ، دار احیاء الکتب العربیة ، ۱۳۷۶هـ - ۱۹۵۷م، ج ۱ ، ص ۱۳

۲ - ابو طبره ، پیشین ، ص ۳۰- ۲۹ .

۳ - طبری ، محمدبن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق : صدقی جمیل العطار ، بی چا ، دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م ، ج ۱ ، ص ۵۶.

۴ - حکیم ، سید محمد باقر، علوم قرآن ، ترجمه سردار شهابی ، اهواز ، دانشگاه شهید چمران ، ۱۳۸۴ ، ص ۲۷۵ .

۵ - خُوئی نقش پیامبر را در تفسیر آنقدر حیاتی می داند که معتقد است قرآن بدون تفسیر وی ، اصلاً قابل فهم نخواهد بود. (سیوطی ، جلال الدین عبد الرحمان ، الاتقان فی علوم القرآن ، تحقیق : محمد سالم هاشم ، چاپ دوم ، قم ، دار ذوی القربی، ۱۴۲۹ هـ ، ص ۳۹۴) شیخ طوسی نیز گوید : « اعلم ان الروایة ظاهرة فی اخبار اصحابنا بأن تفسیر القرآن لا یجوز

در این موضوع که پیامبر چقدر از آیات قرآن را تفسیر کرد بین دانشمندان اختلاف است. بعضی با دلایل خود معتقدند پیامبر قسمت کمی از قرآن را تفسیر نمود و بقیه آن را وا گذاشت و برخی دیگر بر آنند که پیامبر تمام قرآن را تفسیر نمود. اما قول صحیح و نظر بیشتر دانشمندان این است که پیامبر بیشتر قرآن را تفسیر کرد.<sup>۱</sup> سیوطی در بخش آخر کتاب خود، روایات تفسیری پیامبر را آورده است.<sup>۲</sup>

### ۱-۱-۲- روزگار صحابه

پس از درگذشت پیامبر (ص) یاران وی، عهده دار تفسیر و شرح قرآن شدند. ایشان افزون بر اینکه قرآن به زبان خودشان فرود آمده بود به دلیل همراهی پیامبر در مواقع نزول وحی و مشاهده ی آن<sup>۳</sup> و پرسش موارد مبهم قرآن از پیامبر، دانای به تفسیر و مهمترین گزینه برای شرح قرآن پس از پیامبر به شمار می آمدند.<sup>۴</sup> در زمان خلفا، صحابه ای همچون ابن عباس و ابن مسعود به شهرهای اطراف گسیل داده شدند و در آنجا به تفسیر قرآن و آموختن آن و همچنین تربیت و پرورش شاگردان اقدام نمودند. ایشان در بسیاری از مواقع، تفسیر خود را به سخن پیامبر مستند می کردند و در جایی که از تفسیر پیامبر چیزی

---

الا بالاثر الصحيح عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم، و عن الائمة عليهم السلام، الذين قولهم حجة كقول النبي (ص) و ان القول فيه بالرأى لا يجوز». (طوسی، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، تحقيق احمد حبيب قصير العاملي، ج ۱، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹هـ، ج ۱، ص ۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۳۹).

۱ - برای اطلاع از میزان تفسیر پیامبر و گفت و گوهای انجام شده در این رابطه، رجوع کنید به: ذهبی، پیشین، ج ۱، صص ۴۸ - ۵۵.

۲ - رک: سیوطی، پیشین، ج ۲، صص ۳۷۹ - ۴۰۴. وی مقدار احادیث صحیح پیامبر را بسیار کم می داند. اما ابو شهبه کم بودن روایات صحیح را - از نظر سیوطی - قبول نداشته و دلیل خود را کتاب التفسیر بخاری با این همه روایت وارده در آن می داند. (نک: ابو شهبه، محمد بن محمد، اسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر، قاهره، مکتبه السنه، ۱۴۰۸هـ، ص ۴۷).

۳ - ابن تیمیه می گوید: «و حينئذ اذا لم نجد التفسير في القرآن و لا في السنة رجعنا في ذلك الى اقوال الصحابه فانهم ادري بذلك لما شاهدوا من القرائن و الاحوال التي اقتصوا بها و لما لهم من الفهم التام و العلم الصحيح و العمل الصالح...» (ابن تیمیه، تقی الدین احمد ابن عبد العظیم، مقدمة فی اصول التفسیر، دکتر عدنان زرزور، ج ۲، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۲هـ/۱۹۷۲م، ص ۹۵؛ ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق یوسف مرعشلی، ج ۱، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۴).

۴ - توانایی و مهارت برخی از صحابه در تفسیر قرآن، به ادعای ایشان مبنی بر آگاهی از تمام قرآن منجر شد. از علی (ع) رسیده است که فرمود: «و الله ما نزلت آية الا و قد علمت فيم أنزلت، و این انزلت، إن ربی وهب لی قلبا عقولا، ولسانا سوؤلا». (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴هـ، ج ۱، ص ۶۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق محمد باقر بهبودی، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م، ج ۴۰، ص ۱۸۷) و ابن مسعود نیز گفته است: «والذی لا اله غیره ما نزلت آية من کتاب الله الا و انا اعلم فیمن نزلت، و این نزلت، و لو اعلم مکان احد اعلم بکتاب الله منی تناله المطایا لاتيته» (ابن کثیر، پیشین، ج ۱، ص ۴؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق عبد المجید السلفی، ج ۲، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶هـ/۱۹۸۵م، ج ۹، ص ۷۳).



نمی یافتند خود دست به تفسیر و شرح قرآن می زدند.<sup>۱</sup> مثلا ابن عباس بیشتر اوقات در معنای آیات به شعر جاهلی استناد می جست و به وسیله آن معنای واژه های قرآنی را از هم باز می شناخت.<sup>۲</sup> در تعداد مفسران صحابی، سیوطی نام ده تن از آنان را برمی شمارد.<sup>۳</sup> برخلاف وی احمد امین معتقد است اگر چه چه مفسرین از صحابه را تا ده تن نام برده اند ولی به جز چهار نفر - علی (ع)، ابن مسعود، ابن عباس، ابی بن کعب - تفسیر قابل توجهی از دیگران گزارش نشده است.<sup>۴</sup>

### ۱-۱-۳- روزگار تابعین

تابعین به جهت شاگردی در محضر صحابه، با یک واسطه تفسیر را از پیامبر می گرفتند به علاوه ی آن، چون هنوز از صدر اسلام خیلی فاصله نگرفته بودند، می توانستند قرآن را بهتر از آیندگان بفهمند و در پرتو علم صحابه، به تفسیر صحیح دست یابند. اگر چه برخی از بزرگان، تابعین را به عنوان مفسرینی عادی و در حد خویش تلقی می کردند<sup>۵</sup> با این همه، نمی توان توانایی این اشخاص را در علم تفسیر، به خاطر نزدیکی به عصر نزول و شاگردی صحابه نادیده گرفت. ایشان نیز افزون بر سخن پیامبر و صحابه، درمواقعی از رأی و اجتهاد خود در تفسیر استفاده می کردند.<sup>۶</sup>

### ۱-۱-۴- تدوین حدیث و تفسیر

در زمان صحابه و تابعین، حدیث تدوین نشد<sup>۷</sup> و فقط به صورت سینه به سینه نقل شد تا اینکه در اواخر روزگار بنی امیه تصمیم به گردآوری حدیث گرفته شد. در ابتدای امر، روایات تفسیری جزئی از حدیث و

۱ - ذهبی، پیشین، ج ۱، ص ۵۷.

۲ - همان، ص ۷۴.

۳ - سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۲.

۴ - ذهبی، پیشین، ج ۱، ص ۶۴؛ امین، احمد، فجرالاسلام، بی چا، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۷۵م، ص ۲۰۲.

۵ - به عنوان نمونه، از ابو حنیفه نقل شده است که می گفت: «آنچه از پیامبر نقل شده به روی چشم ماست و آنچه از صحابه نقل شده مخیر هستیم که بگیریم یا نگیریم و آنچه از تابعین رسیده، آنها مردانی هستند و ما نیز مردانی هستیم» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، تحقیق حسین اسد، ج ۷، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳هـ، ج ۶، ص ۴۰۱).

۵ - ذهبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۷، دکتر احمد امین در مورد نوع رویکرد تفسیری صحابه و تابعین به طور کلی می گوید: «فلو تتبع ما نقل عن الصحابة و صدر التابعین من تفسیر وجدتهم یقصرن فی تفسیر الآیة علی توضیح المعنی اللغوی الذی فهموه من الآیة باخصر لفظ» (امین، پیشین، ص ۲۰۶).

۷ - گروه تحقیقی تفسیر سفیان ثوری، تدوین نشدن حدیث را در دوره صحابه و تابعین - بدون ذکر علت اصلی آن یعنی منع تدوین حدیث - به دو دلیل می داند. «اولا لان رسول الله (ص) قد قال: لا تکتبوا عنی و من کتب عنی غیر القرآن فلیمحه و ثانيا لان الصحابة لخصوص عقیدتهم ببركة صحبة النبی و قرب العهد الیه و لقلّة الاختلاف و الواقعات و تمکنهم من المراجعة الی الثقات، كانوا مستغنین عن تدوین علم الشرایع و الاحکام حتی ان بعضهم کره کتابه العلم.» (ثوری، سفیان بن سعید، تفسیر سفیان ثوری، تحقیق لجنة من العلماء، چاپ اول، لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م، ص ۴).

نه به اسم تفسیر به شمار می رفت<sup>۱</sup> تا اینکه در زمان تدوین، محدثان ابواب جدایی برای آن اختصاص دادند. به دیگر سخن، گردآورندگان حدیث چون نمی خواستند حدیث پیامبر از بین برود شروع به نگارش آن در کتابها نمودند و تفسیر قرآن را که جزئی از روایات پیامبر بود، در بابتی جدا ضبط نمودند. در این زمان که تفسیر به عنوان بابی از حدیث یا مستقل گردآوری می شد تفسیر اثری که ماده خام آن سه عنصر پیامبر، صحابه و تابعین بود، شکل گرفت که تمام فکر و ذکر مؤلفانش، حفظ و ضبط سخنان ایشان و بسنده نمودن به نقل از آنان بود و این چنین شد که تفاسیری مانند وکیع بن جراح (۱۹۷م)، سفیان بن عیینه (۱۹۸م)، شعبه بن حجاج (۱۶۰م)، اسحاق بن راهویه (۲۳۸م)، عبدبن حمید (۲۴۹م) ... پا به عرصه وجود نهاد<sup>۲</sup> و تا چندی پس از آن، محور بحث تمام تفاسیر، اکتفا به سخن سلف بود و بس.

### ۱-۱-۵- دلایل رو آوردن به تفسیر اثری

حال این سؤال پیش می آید که چرا نخستین تفسیر های نوآمد، تفسیر اثری شد و به غیر چند استثناء، کمتر مفسری تا قرن چهارم، از رأی و اجتهاد در تفسیر خود سود جست و چه عوامل و زمینه هایی در این رویکرد تفسیری نقش عمده ای داشته است.

### ۱-۱-۵-۱- جمع آوری صرف حدیث برای حفظ آن و رجوع به تفسیر سلف برای پاسخ

#### به شبهات

در اوائل قرن دوم، زمامدار وقت، عمر بن عبد العزیز از ترس نابودی سخنان پیامبر و صحابه، با ابلاغ حکم تدوین به عاملان خود و به تبع آن محدثان آن زمان، تدوین حدیث را برای جامعه روا دانسته تا این سخنان به فراموشی سپرده نشود. در این جریان، فکر محدثان فقط گرد آوری و حفظ این سخنان بود و به چیزی غیر از آن نمی اندیشیدند و چون روایات تفسیری نیز جزئی از حدیث بود، خود به خود در مجموعه های حدیثی گنجانده شد.<sup>۳</sup> بنابراین محدثان حفظ و ضبط آثار گذشتگان را وجهه ی همت خود

۱- دکتر احمد امین در این باره می گوید: « ذکرنا التفسیر عقب الحدیث لأن التفسیر فی اول امره الی عصرنا الذي نؤرخه قد اتخذ شکل الحدیث بل كان جزءا منه، و بابا من ابوابه، و قد كان الحدیث هو المادة الواسعة التي تشمل جميع المعارف الدينية تقريبا، فهو يشتمل التفسیر، و يشمل التشريع و يشمل التاريخ ...» (امین، احمد، ضحی الاسلام، ج ۱، صیدا- بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۷هـ/۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۱۰۵)

۲- سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۷؛ حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹هـ/۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۴۳۰؛ امین، ضحی الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷؛ ذهبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۱؛ ابو شهبه، پیشین، ص ۷۲.

۳- علامه طباطبائی در مقدمه میزان، درباره ی محدثان پردازنده به تفسیر می نویسد: « فاما المحدثون، فاقترضوا علی التفسیر بالروایة عن السلف من الصحابة و التابعین فساروا و جدوا فی السیر حیث ما یسیر بهم المأثور و وقفوا فیما لم یؤثر فیه شيء...» (طباطبائی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱-۱۹۹۱م، ج ۱، ص ۸-۹).

قرار داده و از انجام هر عملی غیر آن چشم پوشیدند.<sup>۱</sup> نکته‌ی مرتبط با این مطلب آن است که هر چه از عمر اسلام و قرآن می‌گذشت، سؤالات و شبهات بیشتری در گستره جهان اسلام به ویژه قرآن پدید می‌آمد که نیازمند توضیح و تفسیر بود. اینان برای برون رفت از این سؤالات و شبهات، نیازمند به منبعی توانمند و کارآمد برای پاسخ به آن بودند و قصد نداشتند تا به خرد خود تکیه کرده و راهگشای آن مسائل باشند. بدین منظور بود که به گردآوری روایات تفسیری روی آوردند تا مایه‌ی رجوع مسلمانان در پاسخ به شبهات و نیازهای جدید مردم آن روزگار باشند.

### ۱-۱-۵-۲- نهی پیامبر از تفسیر به رأی

از پیامبر (ص) روایات فراوانی در نکوهش تفسیر به رأی رسیده است به این مضمون که هر کس قرآن را با رأی خود تفسیر کند در دوزخ نشیمن خواهد گرفت. سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود: « اتقوا الحدیث عنی الا ما علمتم فمن کذب علی متعمدا فلیتوبوا مقعداً من النار و من قال فی القرآن برأیه فلیتوبوا مقعداً من النار »<sup>۲</sup> باز از ایشان وارد شده است که: « من قال فی القرآن برأیه فاصاب فقد اخطا ». <sup>۳</sup> براساس این روایات، بسیاری از افراد بدان خاطر که مشمول این حدیث نشوند از تفسیر قرآن با اندیشه‌ی خود، دست شستند. به گفته‌ی محققین تفسیر سفیان ثوری، رفتن در آتش برای این افراد، بهتر از تفسیر به رأی<sup>۴</sup> بوده است و این پرهیز از روی نداشتن علم تفسیر یا غفلت از آن نبود بلکه باز داشتن خداوند و پیامبر باعث در پیش گرفتن چنین رویه‌ای برای ایشان گشت.<sup>۵</sup> در نتیجه، از ترس گرفتار شدن در دام تفسیر به رأی، از چنین تفسیری دوری کردند و به آنچه از پیشینیان رسیده بود، قناعت نمودند.

۱- احمد امین مفسران بعد از تابعین را، از جمله‌ی بزرگان و ائمه حدیث برمی‌شمارد و می‌گوید: « ثم جاءت طبقة {بعد التابعین} جمعت كل اقوال الصحابة و التابعین فی الامصار المختلفة، و شأنهم فی ذلك شأن المحدثین، فقد بدأ اولاه اهل كل مصر یجمعون حدیث مصرهم، ثم وجدت طبقة رحلت الى الامصار المختلفة تجمع احادیثها، فکذلك فی التفسیر و هو فرع من الحدیث، و وجدت طبقة تجمع بجانب الحدیث ما روی فی الامصار من تفسیر و من هؤلاء سفیان بن عینیة (مات سنه ۱۹۸هـ) و وکیع بن الجراح (سنه ۱۹۶هـ) و شعبه بن الحجاج (سنه ۱۶۰هـ) و اسحاق بن راهویه (سنه ۲۳۸هـ) و هؤلاء جميعاً من ائمة الحدیث، فكان جمعهم للتفسیر جمعاً لیباب من ابوابه » (امین، ضحی الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷) به نظر نگارنده، از آنجا که مفسران نامبردار و هم عصران ایشان، غالباً محدث بودند و شأن یک محدث، جمع و ضبط حدیث بود، فقط به گردآوری روایات تفسیری از سلف بسنده نموده، چیزی بر آن نیفزودند.

۲- ترمذی، محمد بن عیسی، السنن، تحقیق عبدالرحمان محمد عثمان، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م، ج ۴، ص ۲۶۸؛ ابو یعلی، احمد بن علی بن مثنی، المسند، تحقیق حسین سلیم اسد، چاپ اول، دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م، ج ۴، ص ۲۲۸.

۳- ترمذی، همان، ص ۲۶۹؛ روایت دیگر: من قال فی القرآن بغير علم فلیتوبوا مقعداً من النار. (همان، ص ۲۶۸).

۴- البته منظور از تفسیر به رأی در این سخن، هر تفسیری غیر از تفسیر مأثور است نه آن تفسیر اصطلاحی مذموم.

۵- ثوری، پیشین، ص ۶.

### ۱-۱-۵-۳- بساطت و سادگی هر علم و ترس و وحشت آغاز آن

براساس قاعده کلی علوم، هر علمی با نوعی ترس و وحشت و یک بساطت و سادگی و در حد نظریه‌هایی ابتدایی آغاز می‌شود و پس از آن به مرور زمان و با پیشرفت علم و تجربه بشر، آن علم نیز کم‌کم دارای شاخ و برگ و افزودنی‌های بسیار در سطح گسترده می‌گردد. به عنوان نمونه، قرآن مدون در زمان عثمان بدون نقطه و عاری از هر گونه علائم نگارشی بود. ابن مسعود در این باره می‌گفت: «قرآن را از هر گونه علائم، برهنه سازید و آنرا با غیر آن در نیامیزید.»<sup>۱</sup> سالها پس از آن با وجود ضروری بودن این نیاز هیچ کس در ابتدا زیر بار نقطه گذاری و شکل دادن به قرآن نمی‌رفت، چرا که همه از کاری که پیشینیان نکرده‌اند، به شکلی طفره می‌رفتند و یک نوع ترس و اضطراب در وجود پیشگامان این کار موج می‌زد.

گزارش شده است: زیاد بن ابیه که از درآمیزی زبانهای عرب و عجم به تنگ آمده بود، به ابو الاسود این کار را پیشنهاد کرد، او نیز از پذیرفتنش سر باز زد و این خودداری به خاطر ترس از نو بودن و انجام نشدن آن به دست پیشینیان بود. تا اینکه طی ماجری که بر ابو الاسود گران تمام شد شکل‌های ساده‌ای از نقطه گذاری را برای قرآن ابداع و این علم با ساده‌ترین شکل خود شروع به کار نمود.<sup>۲</sup> بنابراین علم اعجام و نقطه گذاری مانند هر علمی در آغاز هراس‌انگیز بود و پیشگامان آن، با ترس و وحشت در آن راه گام نهادند که حتی قرن‌ها پس از آن نیز، افرادی این کار را ناپسند و مکروه می‌دانستند.<sup>۳</sup>

تفسیر نیز مانند هر علمی با همان شیوه‌ی ساده و بسیط خود آغاز به کار نمود.<sup>۴</sup> شکل ساده و اولیه‌ی آن نیز مبتنی بر درک و فهم و تفسیر پیامبر و صحابه بود. مسلمانان پس از ایشان به خاطر ترس از تفسیر به رأی و این احساس که قرآن را فقط پیامبر و صحابه درک می‌کنند، بنابراین ما عقل خود را در آن درگیر نکنیم، به همان شکل ساده و اولیه تفسیر - جمع تفسیر پیشینیان - روی آوردند. اما بعد از آن، با تحولاتی که در دنیای اسلام رخ داد این ترس کم‌کم از بین رفت و تفسیر روند تکاملی خود را در پیش گرفت و غیر از تفسیر اثری رویکردها و گونه‌های تفسیری گوناگونی را به خود دید و تجربه کرد.

### ۱-۱-۵-۴- سیره صحابه و تابعین

مثل معروفی در بین مردم جا افتاده و مرسوم است که: «فلانی یک شبهه ره صد ساله می‌رود» به واقعیت پیوستن این مطلب یک استثناء و رخ دادن آن از شگفتی‌های روزگار است. بی‌گمان هر تغییری

۱- سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲- زرکشی، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۸.

۳- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹ش، ص ۵۲۸.

۴- لکن التفسیر کان شأنه کشان کل علم اسلامی فی نشأته، نشأ صغیرا مبعثرا، ثم تجمع و کبر بمرور الزمن و بذل الجهد (النمر، عبد المنعم، علم التفسیر، ج ۱، بیروت، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۵هـ/۱۹۸۵م، ص ۱۰۷).